



## #والیبال

معابقات والیبال هیجان زیادی ایجاد کرده است. همزمان با بازی‌های تیم ملی ایران شاهد نوشته‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی هستیم. بخصوص در بازی دیروز مقابل آلمان که پر فراز و نشیب بود. البته دیروز انتقادهای زیادی را هم از گزارشگر بازی می‌خواندیم: «گزارشگر والیبال می‌که



ا‌گه بچه‌ها بتون ۶ امتیاز اختلاف رو جبران کنن، آلمان رو تحقیر کردیم. اونجا یکی نیست به گزارشگرها یاد بده که نباید به حریف بی‌احترامی کنی؟»، «قشنگ آکتو گفت برید هوچیگری کنید بازی رو ببریم. جواب گرفتیم»، «بدترین بازی تیم ملی والیبال را شاهد هستیم.»، «به گزارشگر خوب تو این والیبال نیست؟ گزارشگر ایران - آلمان می‌گه چی می‌شه بازیکن‌ها این فاصله رو جبران کنن و آلمانیا رو تحقیر کنن! الان که ست رو با اختلاف ۵ امتیاز باختیم

## واکسن کی می‌رسد؟

دغدغه کمبود واکسن همچنان ادامه دارد. نگرانی‌ها درباره نبود

واکسن‌های دوز دوم برای سالمندان و اعلام نشدن فراخوان برای واکسناسیون گروه‌های سنی دیگر باعث شده خیلی‌ها در شبکه‌های اجتماعی درباره‌اش بنویسند. افزایش مجدد آمار مبتلایان و رنگ خطر موج پنجم کرونا هم این دغدغه را بیشتر کرده است: «دقت دارید که بیشترمون از واکسناسیون منظم سراسری برای همه (از جمله خودمون) ناامیدیم و در نهایت راضی شدیم به واکسن زدن پدر و مادرامون؟ سطح امید در همه عرصه‌های زندگی ما همین روند رو طی می‌کنه. ذهن تربیت شده برای چسبیدن به امید حداقلی»، «واکسن نیست و دورنمایی از تهیه آن در ماه‌های آتی و چشم‌اندازی برای رسیدن به تولید انبوه نیز وجود ندارد. ما حالا فقط خسته‌های کارلایه‌ای هستیم که حتی رؤیای واکسن برای خودمان نداریم و تنها آرزومندیم پدرومادرها زودتر واکسن بزنند. حتی درماجرای واکسن نیز نسل بی‌رؤیا و آرزو هستیم.» (الان دغدغه

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰
شمار: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
مصدوق پستی: ۵۳۳۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewsaper.ir

## غیاب مباحث فرهنگی در مناظره‌ها

**رضا اسماعیلی:** متأسفانه در مناظره‌ها هیچ صحبتی از حوزه فرهنگ نبود؛ البته فرهنگ از آغاز انقلاب تا به امروز در حاشیه قرار داشته و یک طفل یتیم بوده‌ودر واقع مظلوم و مهجور مانده است. تقریباً همیشه به عنوان پدرخوانده یا ناپدیری به فرهنگ نگاه کردند در حالی که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب در هنرمودها و نامه‌های خود بر فرهنگ تأکید فراوان داشته و فرهنگ را زیربنای جامعه دانسته‌اند. انقلاب ما انقلاب فرهنگی است و جامعه ما بابرزگانی همچون سنایی، حافظ، مولوی، سعدی، عطار، ابن سینا، رازی، خواجه نصیرالدین طوسی و چهره‌های علمی و فرهنگی شناخته می‌شود. فرهنگ حوزه‌ای است که برای بازدمی نیاز به سرمایه‌گذاری درازمدت دارد و همچنین اهل فرهنگ را افرادی اهل تفکر و اندیشیدن تشکیل می‌دهند و دولتمردان با کسانیکه نقد می‌کنند یا اهل اندیشه و تفکر هستند، مقداری زاویه دارند و اهل فرهنگ را برنمی‌تابند. در

جامعه‌ما ظرفیت نقدپذیری بسیار پایین است.

بخشی از گفت‌وگوی این شاعر و منتقد ادبی با خبرنگار ایرنا



# امکانی امن برای کسب تجربه‌های تازه

قبل از آنکه بخواهیم به این فکر کنیم که کتاب‌های ژانر وحشت مناسب کودک یا نوجوان‌مان هست یا نه و بخواهیم به جای او تصمیم‌گیری کنیم باید به این توجه کنیم که علاقه‌مندی خودش چیست؟

اگر برای مطالعه کتاب‌های ترسناک یا تماشای فیلم‌های ژانر وحشت مناسب سن خود مشتاق است چرا از او دریغ کنیم؟ چه بخواهیم و چه نه، باید بپذیریم که از نظر علمی هم اثبات شده افراد با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های مختلف روحی- شخصیتی متولد می‌شوند. خود من وقتی در برابر چنین سؤالاتی قرار می‌گیرم قبل از هر چیز به والدین جوان از این می‌گویم که به سلایق فرزندان خود نگاه کنید. ببینید اصلاً فرزندان علاقه‌ای به ژانر وحشت دارد یا نه؟ برخی افراد به‌طور طبیعی علاقه‌مند مطالعه داستان‌های ترسناک و حتی تماشای فیلم‌های وحشت هستند، اما برخی دیگر از نظر روحی کشتش و تمایلی به این قبیل آثار ندارند، اما نکته‌ای که در حکم تلنگری برای برخی والدین است چگونگی مواجهه بچه‌های آنان با این آثار است؛ اگر نوجوان شما بعد از مطالعه یک کتاب بلافاصله برآشفته می‌شود باید دید چه دلیل درونی یا بیرونی سبب این واکنش شده است، وگرنه در حالت عادی، فردی که از نظر روحی در حالت معقولی است نباید بعد از خواندن یک کتاب برآشفته شود. این می‌تواند زنگ خطری باشد برای توجه به اینکه این کودک یا نوجوان با مشکل روحی خاصی مواجه شده یا نه؟

گاهی به‌رغم آنکه امنیت عاطفی آنان در خانواده فراهم شده اما ممکن است در محیط خارج از خانه با مسأله یا اتفاقی روبه‌رو شده باشند که حتی از درمیان گذاشتن آن با والدین خود هراس داشته باشند؛ در چنین شرایطی بهتر است به جای آن که تقصیر را به گردن کتاب بیندازیم با یک مشاور روانشناس مشورت کنیم؛ فارغ از این مسائل، داستان‌های ترسناک فضای امنی را برای کسب تجربه بی‌خطر مخاطبان کم سن و سال در مواجهه با ترس فراهم می‌کنند. بچه‌ها با قهرمان داستان همراه شده، با آنان همدات پنداری می‌کنند

### ولادت حضرت

معصومه(س) مبارک باد

### میلاذ فضیلت

نخستین روزاز ماه‌ای القعه با نام و یاد شخصیتی درآمیخته که در تاریخ اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، این شخصیت برجسته تاریخ اسلام فاطمه معصومه(س) دختر امام موسی کاظم و خواهر تنی امام رضاع(وا) از جمله چهره‌های مطرح اسلامی است که به عنوان الگوی زن مسلمان شناخته می‌شود. در مراحل زندگی آن حضرت فرازهای برجسته بسیاری وجود دارد که برخی از آنها منحصر به‌فرد می‌باشند. از جمله آنکه جمعی از شیعیان در سفری به مدینه در پی دریافت سؤالات شرعی خود بودند که متوجه می‌شوند امام موسی کاظم(ع) در سفر هستند. این عده که سختی سفر را برای دریافت سؤالاتشان بر خود هموار کرده بودند بر آن شدند تا سؤالات خود را مکتوب کنند تا در سفر بعدی پاسخ آن را دریافت نمایند. فردای آن روز وقتی برای خداحافظی به خانه امام موسی کاظم(ع) مراجعه کردند پاسخ سؤالات خود را به صورت مکتوب از حضرت معصومه(س) دریافت کردند. این نشان از آن داشت که حضرت معصومه(س) از فروغ دانایی در مکتب پدر و برادرش برخوردار شده و با وجود صغر سن، عالم زمان خویش بود. این فراز معجزگون از زندگی آن حضرت سیمایی استثنایی به ایشان بخشیده و یانگار دانش وسیع وی است.

هارون الرشید خلیفه وقت عباسی که از وجود امامت شیعه بر تاج و تخت خود هراسان بود با حساسیت از فعالیت‌های هدایتگرانه امام(ع) جلوگیری می‌کرد و مانع برقراری ارتباط میان شیعیان و امامشان بود. در چنین شرایطی حضرت معصومه(س) در اواخر حیات پدرش و اوایل امامت برادرش امام رضا که با دخالت عوامل دستگاه عباسی - هارون الرشید - نزدیک چهار سال در انزوا بود، پاسخگوی سؤالات ابهامات پیروان مکتب اهل بیت(ع) و دانسته‌هایش تکیه‌گاه مسلمانان بود. موقعیت حضرت معصومه در آن شرایط حساس مستلزم صرف وقت و علاوه بر آن مخفی‌کاری‌های لازم‌ه بود. از این‌رو و به دلایلی دیگر آن حضرت فرصت ازدواج نیافت و گوهر عمر را به‌طور کامل صرف رسالت نبوی نمود. در عظمت و رفعت مقام او همین بس که بزرگان دین و امامان معصوم(ع) جملات بلندی در ستایش آن حضرت بر زبان جاری کرده‌اند که برخی از شایستگی‌های حضرتش را می‌نمایاند و راهگشا به سوی فضایل بیشتری است. تفسیر همان هکایت بلندی که در زیارتنامه ایشان هم آمده است، «ان لک عبدالله شأناً من الشان». ولادت باسعادت دخت گرامی هفتمین جانشین برحق نبی، حضرت فاطمه معصومه(س) بر عوم مسلمنان بویژه هموطنان‌مان مبارک باد.



مهدی رجبعی نویسنده ادبیات کودک و نوجوان

### کتابی برای عموم علاقه‌مندان ادبیات جهان

«پیژامه همینگوی» عنوان مجموعه داستانی است که به ترجمه اسدالله امرایی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. این مجموعه ویژگی جالبی دارد که قبل از هر چیز به آن اشاره می‌کنم، امرایی یک‌به‌یک داستان‌های آن را با کسب اجازه از نویسندگان آنها ترجمه و منتشر کرده است. البته گردآوری آنها و انتخاب‌شان را خودش برعهده داشته، امرایی در این مجموعه سراغ نویسندگان بسیار مشهوری همچون مارکز ترنته؛ او تلاش کرده داستان‌هایی از نویسندگان سراسر جهان پیش روی علاقه‌مندان بگذارد؛ نویسندگانی که پیش‌تر چندان برای مخاطبان ایرانی معرفی نشده‌اند.

این مجموعه حدود ۴۰ داستان کوتاه را شامل می‌شود که مضامین متنوعی دارند، با این حال بخشی از آنها مرتبط با اتفاقات روز جهان هستند. ازجمله بحث داعش، درگیری‌های افغانستان و حتی مسائل پیش روی عراقی‌ها که در این چند سال شاهد بوده‌ایم. با این حال داستان‌های این مجموعه صرفاً به مسائل اینچنینی اختصاص ندارند؛ اسدالله امرایی در انتخاب‌های خود تلاش کرده به سراغ داستان‌های متنوعی برود که از طریق آنها بتوان زندگی را از زوایای مختلفی دید. بگذارید به یکی- دو مورد از داستان‌های این مجموعه اشاره کنم، یکی از آنها که داستان بسیار زیبایی دارد، داستان ماجرای مردی را روایت کرده که برای خرید کتاب به کتابفروشی می‌رود. کتابی می‌خرد، هنوز چندان از کتابفروشی دور نشده که

با گشت مختصری میان صفحات کتاب، توی ذوقش می‌خورد و آن را به جوی آب پرت می‌کند. بلافاصله او را دستگیر می‌کنند. متعجب است و حتی نمی‌دانند چه جرمی مرتکب شده. در زندان وادارش می‌کنند هر روز زمانی را صرف مطالعه کند. این داستان بسیار زیبا درباره اهمیت و ضرورت مطالعه است.

شخصیت اصلی یکی دیگر از داستان‌ها درباره یک مأمور اعدام است، برای مخاطبان فرصتی فراهم می‌شود تا از دریچه نگاه چنین فردی به زندگی نگاه کنند و حتی خود را جای او بگذارند، ماجرای تکان دهنده و بسیار زیبایی دارد. از آنجایی که اسدالله امرایی مترجم شناخته شده‌ای است چیزی از ترجمه و تسلط او در بهره‌گیری از واژه‌ها در بازگردان داستان‌ها به فارسی نمی‌گویم اما خواندن این مجموعه را به همه علاقه‌مندان پیشنهاد می‌دهم.



مهدی فرجی دبیر تحریریه نشر گویا

- مجموعه داستان
- «پیژامه‌همنگوی»
- نوشته:مجموعه‌نویسندگان
- مترجم: اسدالله امرایی
- انتشارات: نشر گویا



### عکس نوشت

در روز جهانی صنایع دستی، موزه آراک مانوکیان که به موزه ارمنه ایران شهرت دارد و آثاری از هنرمندانی چون پارتو هاگوپیان و لیلیت تریان در آن نگهداری می‌شود، به‌عنوان یکی از موزه‌های فعال خصوصی در فضای مجازی، از کمپنه ملی موزه‌های ایران نشان دریافت کرد.



اگر در جهان راهی یافت می‌شد که آب رفته را به جوی بازگرداند، ارزش داشت که به خطاهای گذشته خود ببندیشیم؛ ولی به راستی گذشته را باید از آن گذشتگان دانست، گذشته از آن گذشتگان است و آینده از آن توست.



خرم‌گس  
اِیل لیلیان وی نیچ  
داریوش شاهین

### تئاتر ملی با آنچه

### به ما هویت می‌بخشد

در میان انواع تئاتری که باید در میان برنامه‌های نمایشی کشورمان گنجانده شود، بهتر است تئاتر ملی هنوز هم نقش مؤثری داشته باشد. تئاتر ملی همان نوع تئاتری است که ریشه در اصالت‌ها و هویت و فرهنگ و زبان و آنچه باید در حیات و روزگار ما جاری باشد، دارد.

تئاتر ملی یک کنش افتخارآمیز است که ما را در برابر همه بیگانه و از خود بیگانگی تحمیلی بیمه می‌گرداند و با نگهداری این اصالت‌ها و ریشه‌ها است که ما ضمن آنکه بر خویشستن خویش آگاهی می‌یابیم در راه بهتر شدن اوضاع و پیشرفت نیز می‌توانیم گام‌های بهتری را برداریم. اگر تئاتر و سینمای ما بی‌هویت شوند یک حلقه گمشده دودمان ما را بر باد خواهد داد و در سرگردانی روزگار دقیقاً نمی‌دانیم یک هستیم یا کلاغ؟!

تئاتر ملی یک پرسش بنیادین دارد که از ما می‌پرسد ما که هستیم؟! و همین نکته بارز و برجسته‌ای است که به ذهن دستور می‌دهد برای پاسخگویی مدام خود را در زیر لایه‌های هستنی‌اش جست‌وجو کنند؛ نه اینکه در تمایل به آنچه دیگران هستند بخواهد دچار سرمشق‌ها و پارادایم‌های ناشناخته‌تر و در واقع ناامیدکننده‌تر شود. انسان باید به راهایی برسد و در آن خلوت با تعبیرات و تفسیرهای ژرف و معنادار همراه شود. آنچه ما را در ناخود آگاه تقویت می‌کند و عامل پایداری‌مان در برابر غرب و شرق خواهد شد همانا هنر است و هیچ هنری مانند هنر تئاتر نمی‌تواند این ناخود آگاه را فعال‌تر از آنچه باید گرداند. پس این حُسن تئاتر را باید یک امتیاز تلقی کنیم و با بهره‌مندی از چنین امکانی بخواهیم که در برابر سرنوشت خویش با پایداری رفتار، ذهنی و روان هدقگذاری‌هایمان را روشن کنیم. اهدافی که به ما هویت می‌بخشد و فراتر از آن انگیزه می‌دهند که برای جبران نداشته‌ها در اتکای به پیروزی‌ها و موفقیت‌های پدران و مادرانمان بتوانیم بر رمز و راز هستی آگاه شویم و راهی بهتر و حتی میانبر‌تری برای جبران مافات بیابیم؛ راهی که ما را به سرمنزل مقصود نزدیک و نزدیکتر گرداند.

تئاتر ملی را به مثابه یک ضرورت حیاتی باید برای ارتقای سطح فرهنگی جامعه در نظر بگیریم و در تقابل با آنچه تهدیدات بزرگی برای هویت باختگی است و ما را از اصالت‌ها و معنای بودن ساقط می‌گرداند، باید که با پایداری خودانگیخته استنادگی کنیم. هنر زبان نرم و ملایمی دارد و چون دارویی تلخ اما گوارا عمل می‌کند و هنگامی که ناخود آگاه تریسم گشت و ما را به خود آورد که در واقع چه کسی هستیم؛ آنگاه راه و رسم استواری پیش پیمان قرار می‌گیرد که بیشتر از پیش تلاش‌هایی برای گسترش یک راه و مسیر شناخته انجام دهیم و در پیوستگی با هم‌میهنمان بتوانیم آینده روشنی را بر سر راه خود ترسیم گردانیم. هویت بخشی امری همگانی و تعمیم‌پذیر و گسترده است و در گستره معانی مشترک است که آدم‌ها احساس با هم بودن و یک ملت بودن خواهند کرد؛ هر چه این تجربه‌ها و پیوستگی میان آنها بیشتر و محکم‌تر باشد آنگاه آن ملت هم موفق‌تر از پیش برای آبادانی و پیشرفت تلاش دو چندان را بروز خواهند داد.

تئاتر ملی را نباید دست‌کم گرفت و این‌یک غفلت آشکار است که ما را می‌رنجاند از اینکه دور و بی‌تفاوت نسبت به هم بهمانیم و در این از هم پاشیدگی‌ها است که افسردگی مزمن و فراگیر ضمن رنجاندن، ما را برای بسط و گسترش توصیه‌های ناآشنا و بیگانه آماده‌تر خواهد کرد. تئاتر ملی جان و حیات یک ملت را بیدار و کوشا نگه می‌دارد و این مهم در انواع تئاتر می‌تواند یک اصل باشد که ما در دایره داشته‌های تاریخی (زمان محور) و جغرافیایی (مکان محور) و فرهنگی (زبان محور) می‌توانیم خودمان را در برابر بیگانه سربلند نگه داریم و از احساس پوچی برهیزیم کنیم.

